

تأملی در نقش عوامل سه‌گانه تقویت بر ابعاد تربیتی با الهام گرفتن از نظریه یادگیری اجتماعی و آموزه‌های دینی^۱

علی سعیدی^۲، ابوبکر ثالث^۳

چکیده

ابعاد تربیتی مجموعه‌ای از اهداف هستند که فرایند تربیت آنها را دنبال می‌کند. این ابعاد شامل بعد شناختی، بعد رفتاری و اخلاقی و بعد اجتماعی می‌باشند. هرکدام از این ابعاد نقش اصلی در تشکیل شخصیت انسان بازی کرده و شاخص مهمی در تربیت انسان به شمار می‌روند. نظریه‌های زیادی وجود دارند که به فرایند تربیتی کمک کرده‌اند اما نظریه شناختی اجتماعی با ترکیب دو عامل شناختی و رفتاری، زمینه‌ای برای استفاده حداکثری از روش‌های شناختی و محیطی فراهم کرده است. بر اساس این نظریه می‌توان از طریق ارائه الگو اطلاعات لازم را در طرح‌واره ذهنی متربی ایجاد کرد و به تبع آن رفتارهای ظاهری موردنظر نیز ایجاد یا حذف شوند. سؤالی که این مقاله به دنبال پاسخ‌دادن به آن است، این است که نقش عوامل سه‌گانه یادگیری اجتماعی در تربیت چیست و چه رابطه‌ای میان آن‌ها وجود دارد؟ یافته‌های این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای گردآوری و سپس مورد تحلیل قرار گرفتند نشان می‌دهد که روش‌های تربیتی نشئت گرفته از این نظریه نه تنها برای تقویت یا اصلاح رفتارهای موجود مورد استفاده قرار می‌گیرند بلکه می‌توانند برای پیشگیری از وقوع رفتارهای نامطلوب نیز مورد استفاده قرار گیرند. پس بر اساس این نظریه، تربیت علاوه بر اینکه فرایندی اصلاحی است فرایندی پیشگیرانه نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی: یادگیری اجتماعی، ابعاد تربیتی، الگودهی، تعیین‌گری متقابل، آموزه‌های دینی.

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۳۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲

^۲ استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

^۳ کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفی مشهد

مقدمه

هر مکتبی بر اساس برداشت و نگاهی که نسبت به انسان دارد، نظریه‌ها و راهبردهای خود را ایجاد می‌کند. روان‌شناسان پیرو رویکرد رفتاری، روش‌های تربیتی خود را از نظریاتی استخراج کرده‌اند که آن‌ها را نظریه‌های رفتاری یا نظریه‌های یادگیری رفتاری می‌نامند. بر اساس این نظریه‌ها، رفتارهای انسان تابع محرک‌های محیطی است و بر اساس محرک‌های محیطی می‌توان رفتارهای مطلوب را تقویت نمود و رفتارهای نامطلوب را کاهش داد و زدود. این فرایند، فرایندی کاملاً یادگیرانه است؛ یعنی اینکه هر رفتاری که انسان ابراز می‌کند، بر اساس یادگیری‌های آگاهانه یا غیر آگاهانه اتفاق می‌افتد. البته گروه دیگری از روان‌شناسان، روش‌شناختی را تأیید کرده و معتقدند که تغییر رفتار همیشه از راه پاداش‌دهی و دست‌کاری محیط نیست، بلکه روش‌های تقویتی غیر از روش‌های مذکور نیز می‌توانند اثرگذار باشند (والکر^۱، ۱۹۸۴، ص ۲۲). یکی از روان‌شناسانی که نقش محیط و فرایندهای شناختی را باهم ترکیب کرده است، آلبرت بندورا پایه‌گذار نظریه یادگیری اجتماعی است. این نظریه بر اساس نتایج تحقیقات آلبرت بندورا بنا شده است و علت نام‌گذاری این نظریه به نظریه شناختی اجتماعی یا نظریه یادگیری اجتماعی این است که در آن بر عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار تأکید شده است (سیف، ۱۳۹۴).

بندورا بر یادگیری از طریق الگوبرداری تأکید دارد و معتقد است که مقدار زیادی از یادگیری‌های ما از راه مشاهده رفتار دیگران آموخته می‌شود. در این نظریه فرایند واسطه‌ای و تأثیرپذیری شدید انسان از محیط اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است و این‌طور فرض می‌شود که این فرایند نقشی عمده در ایجاد شناخت و تنظیم رفتار بازی می‌کند (آذربایجانی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۶).

بندورا نظریه‌های یادگیری (یادگیری از راه آزمایش و خطا) را ناقص می‌داند و اظهار می‌دارد که روش‌های زنجیره‌سازی رفتاری و روش‌های کوشش و خطا برای برنامه‌های تربیتی آموزشی پیچیده قابل استفاده نمی‌باشند (کلب^۲، ۲۰۵۵، ص ۸۶). به‌عنوان مثال با شرطی‌سازی کلاسیک یا فعال نمی‌توان به یک نوجوان رانندگی آموخت، چون رانندگی رفتاری پیچیده است که شرطی‌سازی کلاسیک آن دشوار و خطرناک است. در مورد شرطی‌سازی فعال نیز قضیه به همین شکل است. یکی دیگر از اظهارات بندورا این است که بسیاری از رفتارهای پیچیده

^۱ Walker

^۲ Kolb

ارگانسیم‌ها حاصل مشاهده الگوهای قبلی‌اند. بر اساس این دیدگاه، ارگانسیم‌ها به‌ویژه انسان‌ها با مشاهده دیگران دانش‌ها و مهارت‌ها، قوانین، راهبردها و عقاید و نگرش‌ها را فرامی‌گیرند (آقا یوسفی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰).

بندورا تقویت مستقیم را به‌عنوان روشی برای تأثیر گذاشتن بر رفتار مهم می‌داند، ولی او این عقیده را که رفتار فقط می‌تواند از طریق تقویت مستقیم آموخته شود یا تغییر یابد، رد می‌کند (مخرجی^۱، ۲۰۰۲، ص ۹۳). او معتقد است که انسان موجودی است با توانایی شناختی برای بررسی و تحلیل پدیده‌های محیطی و تعیین هدف و انگیزه برای خود و از طریق تجربه غیرمستقیم نیز می‌تواند خود را در جهت مطلوب قرار دهد (پیرس و چنی^۲، ۲۰۱۳). بندورا به‌رغم پذیرفتن نقش شرطی شدن و تقویت در تبیین رفتار آدمی، با نقش سنتی محرک - پاسخ، به‌عنوان تنها شیوه مطالعه رفتار، مخالفت می‌کند. از نظر بندورا، بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد. در اولین تحقیق بندورا و والترز (۱۹۵۲) در زمینه علل خانوادگی پرخاشگری، بر اهمیت یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران تأکید شده است. از آن به بعد، بندورا یادگیری مشاهده‌ای را مهم‌ترین عامل رشد افراد و یادگیری آنها به‌حساب آورد. (کدیور، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا با دستورالعمل‌های تربیتی که در آموزه‌های دینی وجود دارند شباهت بیشتری نسبت به سایر نظریه‌های یادگیری دارد. دیدگاه اسلام در مورد رفتار انسان مبتنی بر مبانی اکتسابی (محیط) و غیراکتسابی است. خداوند سبحان اساس و منشأ رفتار انسان را بر پایه شاکله می‌داند. شاکله مجموع نیات، خلق و خوی، طریق و هیأت روانی انسان یا همان شخصیت است. محیط فرد، چه محیط درونی و چه محیط بیرونی یعنی آنچه که به طرز تلقی فرد از پیرامون خود مربوط می‌گردد و چه آنچه فرد را احاطه کرده، بر روی نیت و تصمیم آگاهانه فرد و راه و روش و مذهب فرد و خلق و خو و ساختار روحی و روانی او مؤثر است. فطرت نیز که به مثابه خلقت اولیه هر موجود و طبیعت سالم و نیالوده وجود انسان، بر قصد و عزم او تأثیر می‌گذارد. البته از دیدگاه اسلام تنها فطرت و محیط عامل تعیین کننده رفتار انسان نیست بلکه انسان در ارتباط با پیرامون خود و اعمال و رفتار خود دارای اختیار است (جاسبی و محمدنوربخش لنگرودی، ۱۳۷۶).

^۱ . Mukherjee

^۲ . Pierce & Cheney

از دیگر شباهت‌ها بین نظریه یادگیری اجتماعی و آموزه‌های دینی، تأکید بر یادگیری از طریق سرمشق و الگوست. در منابع اسلامی، بر بهره‌گیری از الگو و پیروی از اسوه‌های حسنه تأکید شده است. آیه ۲۱ سوره احزاب به همین نقش الگویی پیامبر(ص)، اشاره دارد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام مؤمنان را به همین گونه پیروی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش می‌نماید: «أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا، فَالْبَدُوا، وَإِنْ نَهَضُوا، فَانْهَضُوا وَلا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا، وَلا تَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتُهْلِكُوا»؛ به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه می‌گردید.

حال طبق این نظریه و آنچه از آموزه‌های دینی درباره تربیت و رفتار و عوامل مؤثر بر تربیت به ما رسیده است، این سؤال پیش می‌آید که آیا الگودهی و الگوپذیری یا یادگیری مشاهده‌ای که در این نظریه بیان می‌شود ویژه یادگیری رفتارهایی خاص است یا تمامی ابعاد تربیتی را دربرمی‌گیرد؟ برای پاسخ‌دهی به این سؤال ابتدا به برخی مفاهیم نظری در این رابطه پرداخته و سپس ارتباط آن‌ها با ابعاد تربیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

۱. تربیت

تربیت از مشتقات ماده «ربو» یا «ربب» و به معنای زیاد کردن است (ابن منظور، ج ۵ ص ۱۲۸). از نظر اصطلاحی، تربیت به معنای رسیدگی به موجود زنده برای دستیابی او به رشد و نمو ظاهری و باطنی (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۶) یا فرایندی منظم و مستمری که هدف آن رشد همه‌جانبه شخصیت پرورش‌یابنده در جهت کسب و درک معارف بشری، هنجارهای مورد پذیرش جامعه و شکوفا شدن استعدادهای آنان است (سیف، ۱۳۸۰). واژه تربیت گاهی در مورد پرورش گیاه و حیوان نیز به کار می‌رود، اما در واقع نمی‌توان کار یک صنعتگر در شکل نو بخشیدن به یک ماده بی‌جان را تربیت نامید چون تربیت و پرورش مستلزم فعلیت بخشیدن به استعدادهای نهفته و شکوفاسازی آن‌ها است (مطهری، ۱۳۷۵). تعبیر (رشد همه‌جانبه) به اهمیت توجه به تمامی ابعاد تربیتی اشاره دارد. مهم‌ترین ابعادی که در فرایند تربیتی به آن‌ها

توجه می‌شود عبارت‌اند از بعد شناختی، بعد اخلاقی و رفتاری و بعد اجتماعی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲. یادگیری اجتماعی

به مقتضای اجتماعی بودن انسان، او همیشه از محیط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و متقابلاً بر محیط نیز تأثیر می‌گذارد. بخش مهم نظریه بندورا به همین مقوله مرتبط است (سیف، ۱۳۹۴، ص ۱۹۴). یادگیری اجتماعی بر این امر تأکید دارد که انسان در ضمن تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی، از اتفاقاتی که در محیط اجتماعی می‌افتند، می‌تواند شناخت، انگیزه، طرح‌واره رفتاری، بینش‌ها و انگیزه‌ها را کسب کند (هال، ۱۹۷۶، ص ۱۱۸). پس باتوجه‌به اینکه این موارد سائق اصلی در فرایند تربیت و بروز رفتارهای آدمی می‌باشند از این لحاظ است که می‌توان گفت که یادگیری اجتماعی با ابعاد تربیتی ربط دارد. یادگیری مشاهده‌ای در بعد شناختی، عاطفی، حرکتی جسمانی، اجتماعی، اخلاقی و هنری و ابعاد دیگر تعلیم و تربیت تأثیر دارد (مخرجی ۲۰۰۲ م، ص ۴۵). بر اساس نظریه شناختی اجتماعی همان‌طور که انسان با مشاهده دیگران می‌تواند رفتارهای حرکتی - جسمانی را یاد بگیرد، می‌تواند در بقیه ابعاد تربیتی نیز تأثیر بپذیرد. برای اینکه یادگیری اجتماعی صورت بگیرد، بندورا به چهار مرحله؛ مرحله توجه، مرحله یاد داری، مرحله بازآفرینی حرکتی و مرحله انگیزشی اشاره کرده است که به ترتیب به ابعاد حسی، ذهنی، جسمی حرکتی و گرایشی انسان مربوط می‌باشند. طبق این نظریه، اگر یادگیری اجتماعی موفقیت‌آمیز نبوده شاید به این علت است که مرتباً به الگوهای تربیتی تعریف‌شده توجه نکرده است یا آن‌ها را به طرح‌واره ذهنی خود نسپرده است، یا از لحاظ جسمی نتوانسته آن‌ها را بازتولید کند، یا مشوق‌های لازم برای انجام آن‌ها به دست نیآورده است. (سیف ۱۳۹۶، ص ۴۰۷). پس برای اینکه روش‌های اجتماعی تربیت موفقیت‌آمیز باشند، باید به این مراحل توجه شود.

۳. تعیین‌گری متقابل

همان‌طور که علم روان‌شناسی بر رفتار و فرایند ذهنی تأکید دارد، فرایند تربیتی نیز رفتار انسان را موضوع اصلی می‌داند. بنیادی‌ترین سؤالی که در این دو علم مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که «علت رفتار آدمیان چیست؟» بنا به جوابی که فرد به این سؤال می‌دهد، می‌توان او را یک محیط‌گرا (تجربه‌گرا)، فطرت‌گرا، هستی‌گرا، یا چیزی دیگر نامید. محیط‌گرایان (مثل پاولوف) چنین جواب می‌دهند که رفتار تابعی از وابستگی‌های تقویتی محیط است، لذا اگر

وابستگی‌های محیط تغییر یابند، رفتار تغییر خواهد کرد. فطرت‌گرایان بر سرشت‌ها یا از پیش آمادگی‌ها، صفات و اندیشه‌های فرد تأکید می‌کنند (سیف، پیشین ص ۴۰۸). هستی‌گرایان بر انتخاب آزاد افراد اصرار می‌ورزند و معتقدند که انسان اسیر هیچ وابستگی نیست بلکه محور، انتخاب خود انسان است (سیف، ۱۳۹۶، ص ۴۰۸). پاسخ بندورا این است که شخص، محیط و رفتار فرد باهم به طور تعاملی عمل می‌کنند تا رفتار بعدی شخص را تعیین نمایند و هیچ‌یک از این سه جزء را نمی‌توان جدا از اجزای دیگر به‌عنوان تعیین‌کننده رفتار انسان به حساب آورد (هال، ۱۹۷۶، ص ۱۹۵).

در تعالیم دینی به سه مورد توجه شده و هرکدام به‌عنوان عامل مهم در تربیت شناسایی شده است. در منابع دینی هم، به این حقیقت عنایت شده است و در بعضی از موارد، بر محیط خیلی تأکید شده است؛ مثلاً در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) این‌طور آمده که: «ان لم تکن حلیماً فتحلم فانه قل من تشبه بقوم الا اوشک ان یکون منهم» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۷) علی - علیه‌السلام - فرمود: اگر بردبار نیستی، خود را بردبار بنمای؛ زیرا کم می‌شود کسی خود را شبیه قومی سازد و اندک‌اندک از آن‌ها نشود. این روایت به این مطلب اشاره دارد که اتفاقات بیرونی می‌توانند در اتفاقات درونی انسان نفوذ کنند و تأثیر داشته باشند همان‌طور که حلم ورزی ظاهری و نمادی تبدیل به حلم ورزی حقیقی و باطنی می‌شود. از تعبیری همانند «قل» و «اوشک» فهمیده می‌شود که روایت، ارشاد به این واقعیت است که در اموری چون بردباری چنانچه کسی بردبار نباشد؛ لیکن خود را همانند بردباران سازد، اندک‌اندک ظاهر او در باطن سرایت کرده و از آن‌ها خواهد شد از اطلاقی که در این روایت مشاهده می‌شود، چون حلم یک حالت نفسانی است که شامل بعد رفتاری و بعد عاطفی می‌شود، پس حلم ورزیدن می‌تواند در همه ابعاد ذکرشده مؤثر باشد. همچنین عوامل شخصی نیز می‌تواند بر رفتار انسان اثرگذار باشند. آیه زیر این مطلب را بیان می‌کند: «فلولا اذ جائهم بأسنا تضرعو و لکن قست قلوبهم» (انعام ۴۳) ... پس چرا وقتی بلای ما به آن‌ها رسید، توبه و تضرع نکردند، در صورتی که دل‌هایشان را قساوت فراگرفته بود. قساوت قلب که یکی از عوامل شخصی است، باعث تغییر در رفتار ظاهری شده که در جایی که باید رفتار آن‌ها به شکل خاصی باشد اما برخلاف آن رفتار کردند.

علاوه بر موارد ذکرشده، در منابع دینی ضمن تأکید بر اینکه انسان از موجودات دیگر تأثیرپذیر است و خود نیز بر هم‌نوعان خود تأثیر می‌گذرد، این رابطه دوسویه، میان انسان و موجودات عالم طبیعت نیز به چشم می‌خورد. برای مثال، تخریب جنگل‌ها که توسط انسان اتفاق می‌افتد، باعث پیامدهای زیان‌باری برای زندگی شخصی انسان از قبیل زلزله و گرمایش زمین و آلودگی

هوا می‌شود. از دسته‌ای از آیات قرآن کریم به دست می‌آید که دست‌کم برخی از بلائی طبیعی ریشه در اعمال انسان دارند. به‌عنوان مثال، در آیه‌ای این‌طور آمده: «ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس»؛ تباهی در خشکی و دریا به سبب کرده‌های مردمان پدیدار شد. (روم، ۴۱) همین‌طور ایمان و عمل صالح نیز می‌توانند باب رحمت و برکت را بر روی زندگی اجتماعی اهل زمین بگشایند. «ولوان اهل القری امنو واتقو لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض»؛ و اگر مردم آبادی‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند، هر آینه برکت‌ها از آسمان و زمین بر آن‌ها می‌گشادیم (اعراف، ۹۶). از این آیات به این نتیجه می‌رسیم که انسان نه فقط می‌تواند بر دیگران اثر بگذارد بلکه بر محیط نیز اثر می‌گذارد لذا اگر رفتار انسان به شکلی مطلوب درآمده، بر سلامت محیط اجتماعی او اثرگذار خواهد شد و محیط اجتماعی سالم خواهد شد و اگر محیط اجتماعی سالم شد، محیط فردی نیز سالم خواهد شد.

نقش یادگیری اجتماعی در فرایند تربیتی

اساس نظریه یادگیری اجتماعی مشاهده و الگوپذیری است و از طریق مشاهده علاوه بر اینکه رفتارها یاد گرفته می‌شوند، واکنش‌های هیجانی مانند ترس و شادی را نیز می‌توان بر مبنای روش جانشینی یاد گرفت و شرطی کرد. ترس و شادی از دو عامل مهم در فرایند تربیتی هستند که در تعالیم و منابع اسلامی از آنها برای هدایت تربیتی استفاده شده است. در قرآن و احادیث مواردی از این قبیل وجود دارند که از طریق برحذر کردن و ترساندن به تقویت رفتاری می‌پردازد، مثل آیات و روایاتی که به توصیف جهنم می‌پردازد و حالات جهنمیان را به تصویر می‌کشد. طبق نظریه شناختی اجتماعی نیز این امر مورد تأیید است که ایجاد واکنش‌های شدید هیجانی در انسان نسبت به مکان، افراد و اشیاء و بدون هرگونه تماس شخصی با آن‌ها، طبق این نظریه امر عادی است و به رفتارهای بالقوه اثرگذار هست. (سیف، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸).

آلبرت بندورا فرایند یادگیری واکنش‌های هیجانی، از طریق مشاهده دیگران را شرطی شدن جانشینی^۱ نامیده است و این شرطی شدن به تقلید یا الگوپذیری منجر می‌شود (آقا یوسفی و دیگران، پیشین، ص ۲۴۲). طبق این نظریه تقلید و یادگیری مشاهده‌ای^۲ با یکدیگر متفاوت‌اند. چرا که ممکن است یادگیری مشاهده‌ای متضمن تقلید باشد یا نباشد؛ زیرا از طریق سرمشق-گیری^۳ با مشاهده کردن رفتار الگو و تکرار کردن آن رفتار، این امکان وجود دارد که پاسخ‌هایی

1. Vicarious Conditioning

2. Observational Learning

3. Modeling

را اکتساب کنیم که قبلاً هرگز انجام نداده‌ایم و پاسخ‌های موجود را نیرومند یا ضعیف کنیم (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۴۵۳)؛ بنابراین در فرایند تربیتی نیز ممکن است متربی یک پدیده را مشاهده کند ولی در مقام رفتاری از آن در موارد مختلفی استفاده کند و اجرا کند. به عبارت دیگر باتوجه به این مطلب تفاوت بین عبرت‌آموزی و الگوپذیری آشکار می‌شود زیرا، الگوپذیری تکرار خود رفتار مشاهده شده است اما عبرت‌آموزی دریافت پیام و ابراز رفتار متناسب با آن در موقعیت‌های مختلف است.

دلیل بندورا بر مسئله تأثیر مشاهده در ابداع رفتار جدید، آزمایش او درباره عروسک باد شده‌ای به نام "بوبو" است که به طول ۹۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر است. آزمودنی‌ها در تحقیقات اولیه، کودکان پیش‌دستانی بودند که بزرگ‌سالی را مشاهده کردند که به بوبو لگد و آن را کتک می‌زد. این بزرگ‌سال الگو درحالی‌که به عروسک حمله می‌کرد، فریاد می‌کشید «بزن تو دماغش!» و «پرتش کن تو هوا!». وقتی که این کودکان با عروسک تنها گذاشته شدند، از الگویی که به‌تازگی مشاهده کرده بودند تقلید کردند بلکه رفتارهای بدیع و تازه‌ای از خشونت از خود ابتکار نمودند. رفتار این‌ها با رفتار کودکان گروه گواه که حمله الگو به عروسک را ندیده بودند مقایسه شد. معلوم شد که افراد گروه آزمایشی دوبرابر افراد گروه گواه، پرخاشگری نشان می‌دهند (ارنسون، ۱۳۸۹، ص ۳۰۰). پس یادگیری اجتماعی تنها مربوط به یادگیری رفتار خاصی نمی‌شود، بلکه ممکن است باعث یادگیری رشته‌ای از رفتارهای زیادی باشد که با رفتار مشاهده شده نزدیک هستند.

کمک اصلی نظریه یادگیری اجتماعی به فرایند تربیتی در مواردی می‌باشد که مربوط به الگودهی و سرمشق‌گیری و ایجاد گرایش‌ها و هیجانات می‌باشد. اسوه‌سازی، عبرت‌آموزی و محیط‌سازی از روش‌های برگرفته از متون دینی هستند که با نظریه یادگیری اجتماعی ارتباط دارند (ثالث، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸).

نقش تقویتی مفهوم تعیین‌گری متقابل بر سه بعد تربیتی

بر اساس نظریه‌های شرطی‌سازی، تقویت به یادگیری می‌انجامد. اما طبق نظریه شناختی اجتماعی علاوه بر تأثیر تقویت بر شناخت انسان، بر انگیزه نیز اثر می‌گذارد. بر اساس این نظریه بین یادگیری و عملکرد تفاوت وجود دارد. یادگیری به معنای کسب توان رفتاری است و عملکرد به معنای عملی کردن یادگیری‌های کسب‌شده است و برای تبدیل یادگیری به عملکرد به تقویت‌کننده و انگیزاننده نیاز هست. بندورا عوامل سه‌گانه (شناخت‌ها، رفتارها و عوامل محیطی) را فقط به‌عنوان عوامل یادگیری نمی‌داند بلکه آن‌ها را به‌عنوان عوامل انگیزشی نیز

می‌داند (سیف، ۱۳۹۴، ص ۱۷۹). در صورت استفاده مناسب از این عوامل، می‌توان به نتیجه خوبی در تربیت انسان از لحاظ سه بعد مهم تربیتی (بعد شناختی، بعد رفتاری و اخلاقی و بعد اجتماعی) رسید. کارکرد و تأثیر عوامل سه‌گانه بر ابعاد سه‌گانه تربیتی به شرح ذیل است:

الف) بعد شناختی

طبق نظریه شناختی اجتماعی، تجربه یکی از منابع مهم شناخت می‌باشد. انسان از طریق اتفاقات و رویدادهای محیطی تجربه کسب می‌کند؛ لذا با استفاده به‌جا از رویدادهای محیطی، می‌توان انسان را از تجارب مهم و ارزشمند بهره‌مند کرد و در نهایت نگرش‌ها، عقیده‌ها، دانش‌ها و راهبردهای او را به مسیر مناسب هدایت کرد. از نظر دینی این مطلب مورد تأیید است و تجربه به‌عنوان منبع مهم دانش و پرورش‌دهنده شناخت معرفی می‌شود. امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «و فی التجارب علم مستألف»؛ از تجربه دانش تازه به دست می‌آید (مجلسی، ج ۷۷، ص ۲۸۵).

بندورا ضمن تأکید بر عاملیت انسان و پذیرش اینکه انسان نظم‌دهنده طرح‌واره‌های شناختی خود است، این مطلب را نیز قبول دارد که عوامل بیرونی در هدایت شناخت‌ها به انسان کمک می‌کند. به‌خاطر همین است که تعیین هدف، نظارت و تقویت را برای آموزش خود نظم‌دهی پیشنهاد کرد (سیف، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱).

در تعالیم اسلامی، عبرت‌آموزی و اعطای بینش به‌عنوان تقویت‌کننده بعد شناختی انسان پیشنهاد شده است. امام علی می‌فرماید: «دوام الاعتبار یؤدی الی الاستبصار»؛ استمرار در عبرت گرفتن، آدمی را به‌سوی بصیرت سوق می‌دهد. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۹۴). از ویژگی‌های ذهنی و روانی انسان که در واقع امتیاز او نسبت به حیوانات است همین عبرت‌آموزی ناشی از تعقل است که اگر در حیوانات باشد اولاً محدود و ثانیاً نشأت گرفته از غریزه دفاع است.

انسان در برابر حوادث و جریانات، قادر به تجزیه و تحلیل، تهیه صغری و کبری و نتیجه، فهم و درک و تشکیل مفاهیم است. او با استفاده از درک تشابهات، قیاس‌ها و تعمیم‌ها قادر به تهیه ذخایری عظیم از علم و فکر و تجربه است و اصولاً شأن انسانی او چنین جریانی ایجاب می‌کند لذا او همیشه به روش‌های مستقیم نیاز ندارد بلکه گاهی وقت‌ها به طور غیرمستقیم می‌تواند پیام‌های اصلاحی را دریافت کند. انسان از طریق عبرت‌آموزی می‌تواند خود را جای دیگران قرار بدهد و چیزی که آنان تجربه کرده‌اند را به طور غیرمستقیم تجربه

کند و بر او اثر بگذارد. این اثرگذاری باعث می‌شود که عبرت‌آموزی به‌عنوان ابزار مهم تربیتی شناخته شود (قائمی امیری، ۱۳۷۴).

روش دیگری که برای استفاده از تجارب دیگران پیشنهاد شده، مشورت با خردمندان است. خداوند متعال به تداوم در مشورت گرفتن توصیه می‌کند: «و شاورهم فی الامر»؛ در کارها با آن‌ها مشورت کن (آل عمران، ۱۵۹)؛ لذا از طریق انتقال افکار و تجارب سازنده می‌توان به تقویت متربی از لحاظ بعد شناختی پرداخت، همچنین از طریق عبرت‌آموزی و الگودهی نیز امکان پرداختن به این مهم وجود دارد.

ب) بعد رفتاری و اخلاقی

برای تقویت بعد رفتاری، علاوه بر موارد ذکر شده می‌توان به الگودهی و انواع تشویق و تنبیه به‌عنوان ابزار تربیت بعد اخلاقی و رفتاری اشاره کرد. الگودهی برای یادگیری اجتماعی بسیار مهم بوده چون که بر اساس این نظریه، اکثر رفتارها از راه مشاهده دیگران یاد گرفته می‌شوند و بعد از یادگیری، پاداش و تنبیه به میان می‌آیند و نقش تقویتی و انگیزشی خود را ایفا می‌کنند. طبق این نظریه، الگودهی نصف کار است و به متمم نیاز دارد. تقویت و تنبیه جانشین عواملی هستند که یاد گرفته شده‌ها را به عملکرد تبدیل می‌کنند؛ لذا برای تثبیت رفتاری در متربی، الگودهی مهم است و اگر متربی از الگو تقلید کرده، باید به او بازخورد داده شود تا رفتار موردنظر تقویت شود. (سیف، ۱۳۹۴، ص ۱۷۹). در کنار الگودهی، می‌توان از روش‌های دیگر استفاده کرد و بر اساس مفهوم تعیین‌گری متقابل، الگودهی، نقش بقیه روش‌ها را کم‌رنگ نمی‌کند.

در منابع اسلامی، روش‌های تربیتی مربوط به بعد رفتاری و اخلاقی از قبیل روش مواجه کردن با نتایج اعمال به کلامی یا غیرکلامی، امر به معروف و نهی از منکر و استفاده از آراستگی‌های گفتاری پیشنهاد شده‌اند (باقری، ۱۳۸۸، ص ۹۲). نقطه قابل توجه این است که در منابع اسلامی باینکه به عوامل دیگر تقویت و اصلاح رفتاری توجه شده ولی بیشترین تأکید روی خود رفتار است و در جاهای مختلف خود رفتار به‌عنوان پاداش و مجازات معرفی شده است. به‌عبارت دیگر، برای هر رفتار خوب یا بد پاداش یا مجازاتی خارج از خود لزوماً نیازی نیست بلکه خود رفتار به صورت اشکال مختلف تبدیل به پاداش یا مجازات می‌شود. در این مورد خداوند متعال می‌فرماید: «انّ اللذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً اَتما یاَکلون فی بطونهم ناراً»؛ آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند در حقیقت آن‌ها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند (نساء، آیه ۱۰).

بر اساس این آیه، نار جهنم مجازاتی جدا از مصرف ناحق مال یتیمان نیست بلکه خود این رفتار است که به صورت آتش جهنم درآمده. علامه طباطبائی این آیه را به عنوان دلیل تجسم اعمال به عنوان پاداش یا مجازات می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷ هجری، ج ۳ ص ۲۰۳). در روایتی دیگر از امام علی (ع) اعمال انسان‌ها به کشته‌هایی تشبیه شدند که در آینده نزدیک یا دور تبدیل به حاصل و عاقبت می‌شوند. در این باره حضرت می‌فرماید:

«کما تزرع تحصد و ما قدمت الیوم تقدم علیه غداً، فامهد لقدمک و اقدم لیومک»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳) آن گونه که کاشتی درو می‌کنید، آنچه امروز پیش می‌فرستید، فردا بر آن وارد می‌شوید، پس برای خود در آخرت جایی آماده کن. پس طبق این مطالب، علاوه بر اینکه دو عامل دیگر (محیط و عوامل شخصی) بر رفتار اثر می‌گذارند، خود رفتار نیز می‌تواند مؤثر و عامل باشد. البته رسیدن به این عاملیت به توجیه شناختی و روش‌های مواجهه با نتیجه اعمال نیاز دارد و مربی باید رابطه میان رفتار و مجازات یا پاداش آن را به طور آشکار برای مربی بیان کند.

ج) بعد اجتماعی

اجتماعی بودن انسان یکی از مبانی تربیتی و انسان‌شناختی است که در متون علوم تربیتی روی آن تأکید زیادی شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳) به مقتضای این مبنا، انسان از محیط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و به طور متقابل بر محیط اثر می‌گذارد. نظریه شناختی اجتماعی پذیرای این مبنا است و کنش متقابلی که بین افراد جامعه صورت می‌گیرد به عنوان رویداد محیطی می‌شناسد که قابل یادگیری و تقلید است (اسلاوین^۱، ۲۰۱۹)؛ بنابراین مقوله می‌توان از طریق تنظیم محیط اجتماعی به تقویت بعد اجتماعی تربیت پرداخت چرا که انسان زائیده رویدادهای محیطی است و بر اساس تعالیم اسلامی غالباً محیط‌های پاک، آدم‌های پاک را پرورش داده و محیط‌های آلوده، آدم‌های آلوده را پرورش می‌دهد (امیری، ۱۳۹۲، ش ۲۶، ص ۱۳۹). در مورد تأثیر محیط خانواده بر انسان از پیامبر اسلام روایتی نقل شده که فرموده‌اند: «کل مولود یولد علی الفطره، فأبواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه»؛ «هر نوزادی بر فطرت الهی به دنیا می‌آید، پس پدر و مادر او را به دین یهود و نصرانی و زرتشتی گرایش می‌دهند» (مجلسی، ج ۳، ص ۲۸۱).

^۱ . Slavin

در قرآن کریم نیز شاهد دیگری وجود دارد که بر تأثیر محیط بر رفتار انسان خصوصاً رفتار اجتماعی تأکید شده است: «ان الذین توفاهم الملائکة ظالمی انفسهم قالو فیم کنتم قالو کنا مستضعفین فی الأرض قالو الم تکن ارض الله واسعه فتهاجرو فیها...» کسانی هستند که وقتی فرشتگان جانشان را می‌ستانند درحالی‌که بر خویشتن ستم کرده بودند. از آن‌ها می‌پرسند: در چه کاری بودید؟ گویند: ما در روی زمین مردمی بودیم زبون گشته. فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟ (سوره نساء، آیه ۹۷).

این آیه بر این امر اشاره دارد که اگر در سرزمین خاصی مردمی مستضعف بودند و قصد اصلاح خود داشتند، چرا محیط خود را عوض نکردند و به سرزمین دیگری مهاجرت نکردند که در آن بتوانند خود را بسازند. استفاده از روش سؤالی دلیل بر وضوح و اثرگذاری این راه‌حل است. تعیین‌گری متقابل اقتضا می‌کند که تمام روش‌های ذکرشده در ابعاد قبلی در این بعد نیز مؤثر باشند. علاوه بر آن می‌توان به پیشنهادهایی اشاره کرد که در تربیت اجتماعی کارساز باشند. الگودهی، اسوسه‌سازی و تأکید بر فعالیت‌های جمعی از روش‌هایی است که در بعد اجتماعی تربیت تأثیر قابل‌توجهی دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رابطه یادگیری اجتماعی با ابعاد تربیتی در این است که یادگیری اجتماعی فرایندی است که ابعاد تربیتی را آبیاری می‌کند و بر اثر آن می‌توان سه بعد مهم تربیتی را مدیریت کرد. فرایند تربیتی دینی سه بعد مهم را هدف قرار می‌دهد و این ابعاد عبارت‌اند از بعد شناختی، بعد رفتاری و اخلاقی و بعد اجتماعی. برای پرورش و تربیت انسان و انتقال ارزش‌های تربیتی به او و رساندن او به اهداف تربیتی، باید این ابعاد مورد توجه قرار بگیرند. روش شناختی اجتماعی که بر اهمیت فرایندهای محیطی و تأثیر آن‌ها بر رفتار انسان تأکید دارد، می‌تواند طوری برنامه‌ریزی شود که این سه بعد مهم را هم‌زمان مدیریت کند. تعبیر امام صادق (ع) که فرمودند «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» به این نکات اشاره دارد که اولاً، از طریق رفتار و اخلاق نیک که یکی از رویدادهای محیطی است می‌توان تغییر اساسی در افراد دیگر ایجاد کرد. دوم اینکه دعوت به اهل‌بیت به معنای گرایش دادن به ولایت آن‌ها است که ولایت خود ناظر به پذیرش سفارش‌های تربیتی آن‌ها، تاسی و الگوگیری از آن‌ها و توجه عاطفی و ولایی به آن‌ها می‌باشد.

بررسی ابعاد سه‌گانه تربیت، این مهم را آشکار می‌سازد که از طریق انتقال افکار و تجارب سازنده می‌توان به تقویت متربی از لحاظ بعد شناختی پرداخت؛ از طریق عبرت‌آموزی و

الگودهی نیز امکان پرداختن به بعد رفتاری و اخلاقی وجود دارد و الگودهی، اسوه‌سازی و تأکید بر فعالیت‌های جمعی از روش‌هایی است که در بعد اجتماعی تربیت تأثیر قابل توجهی دارد. پس مهم‌ترین نقطه قابل استفاده از این مطلب این است با مدیریت رخدادهای محیطی (که رفتار یکی از آن‌ها است) می‌توان به مهم‌ترین اهداف تربیتی دسترسی پیدا کرد. با توجه به بحث انجام شده توصیه می‌شود که معلمان و مربیان و برنامه‌ریزان تربیتی با تأمل در ابعاد سه‌گانه شناختی، رفتاری و اخلاقی و اجتماعی نظریه‌های یادگیری نوین از جمله نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، که نزدیکی بیشتری با آموزه‌های دینی دارند، راهبردهای تربیتی خود را غنا بخشیده و زمینه کشف راهکارها و نکات تربیتی بیشتر را فراهم سازند.

منابع و ماخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه. (۱۳۷۸). (ترجمه سید جعفر شهیدی) تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن منظور. (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. الناشر: دار صادر - بیروت.
- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ارنسون، الیوت. (۱۳۸۹). روان‌شناسی اجتماعی. (ترجمه حسین شکرکن). تهران: رشد.
- آقاییوسفی، علیرضا و دیگران. (۱۳۸۶). روان‌شناسی عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- امیری، دادمحمد. (۱۳۹۲). نقش محیط در تربیت از منظر قرآن. جامعه المصطفی، فصلنامه تخصصی علوم اسلامی، شماره ۲۷، مشهد.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: سازمان پژوهشی و برنامه ریزی.
- ثالث، ابوبکر. (۱۳۹۸). کاربرد تقویت و تنبیه در تغییر و اصلاح رفتار اجتماعی طبق آموزه های دینی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی. جامعه المصطفی العالمیه مشهد.
- جاسبی، عبدالله و محمد نوربخش لنگرودی، محسن. (۱۳۷۶). مبانی رفتار انسان از دیدگاه اسلام. آئینه پژوهی مدیریت) 9، شماره ۳ (پیاپی ۳۴)، ۵-۲۰.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). تغییر رفتار و رفتاردرمانی: نظریه‌ها و روش‌ها. تهران: نشر دوران.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی آموزش و یادگیری. تهران: دوران.
- شولتز، دوان بی. (۱۳۸۹). نظریه‌های شخصیت. (ترجمه یحیی سید محمدی). تهران: ویرایش.

- طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۷۲ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ ۵، دفتر انتشارات اسلامی.
- قائمی، علی. (۱۳۷۴). روش عبرت آموزی در اندیشه و آثار تربیتی امام خمینی. مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی(س)، ص ۴۶۵.
- کدیور، پروین. (۱۳۸۵). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
- محمدی ری‌شهری. (۱۳۷۹). منتخب میزان الحکمه. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، ط ۴، بیروت، مؤسسه الوفاع
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). فلسفهٔ تعلیم و تربیت اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در اسلام. قم: صدرا.
- Walker, Stephen. (1984). learning and behavior modification. Methium & Co Ltd. New Fetter Lane, London.
- Kolb, Bryan, Ian Q Whishdraw. (2005). An introduction to Brain and Behavior. Worth publishers.
- Pierce, W. D., & Cheney, C. D. (2013). Behavior analysis and learning. Psychology Press.
- Hall, Stanley. (1903). Habit and Behaviour. The American journal of psychology.
- Mukherjee A, (2002): Educational Psychology for Teachers' Students and parents. S. Asekome and Co. Publishers, Samaru, Zaria, Nigeria.
- Slavin, R. E. (2019). Educational psychology: Theory and practice. Allyn & Bacon.